



بررسی نقش هوش هیجانی معلمان در مدیریت اثربخش کلاس و ارتقای یادگیری دانش آموزان

یوسف قلیکی میلان^۱، فاطمه صالحی^۲، الماس صالحی^۳، عزیزه علی پور^۴، حامد زینالپور^۵

چکیده

هوش هیجانی به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی شایستگی حرفه ای معلمان، نقش مهمی در کیفیت مدیریت کلاس



و بهبود فرایند یادگیری دانش آموزان ایفا می کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش هوش هیجانی معلمان در مدیریت اثربخش کلاس و ارتقای یادگیری دانش آموزان انجام شده است. این مطالعه از نوع مروری بوده و با استفاده از



منابع کتابخانه ای، مقالات علمی داخلی و خارجی و پژوهش های معتبر حوزه روان شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی

MDOI-02-2026.0090
MNR-91-2-B65AB9

تدوین شده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد معلمانی که از سطح بالاتری از هوش هیجانی برخوردارند، توانایی بیشتری در کنترل هیجان ها، برقراری ارتباط مؤثر، حل تعارضات کلاسی، ایجاد انگیزه و مدیریت رفتار دانش آموزان دارند. همچنین این ویژگی موجب شکل گیری فضای عاطفی مثبت در کلاس، افزایش مشارکت یادگیرندگان و تقویت عملکرد تحصیلی آنان می شود. یافته ها بیانگر آن است که مؤلفه هایی مانند خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی و مهارت های اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر کیفیت تعاملات آموزشی و موفقیت فرایند تدریس دارند. در نهایت می توان نتیجه گرفت که توجه به آموزش و تقویت هوش هیجانی در برنامه های تربیت معلم و دوره های توانمندسازی حرفه ای، زمینه ارتقای کیفیت آموزش، کاهش تنش های کلاسی و افزایش یادگیری پایدار دانش آموزان را فراهم می سازد.

کلیدواژه ها: هوش هیجانی، مدیریت کلاس، یادگیری دانش آموزان، معلمان، روان شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی

^۱. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۲. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۳. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۴. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان چالدران، مقطع ابتدایی

^۵. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی



۱. مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان یکی از اساسی ترین نهادهای اجتماعی، نقش مهمی در رشد فردی و اجتماعی انسان ها ایفا می کند. در این میان، معلمان به عنوان مهم ترین عامل انسانی در نظام آموزشی، نقشی کلیدی در هدایت، آموزش و پرورش نسل های آینده دارند. کیفیت تعاملات آموزشی در کلاس درس، تا حد زیادی به ویژگی های شخصیتی، مهارت های حرفه ای و توانایی های عاطفی و اجتماعی معلمان وابسته است. در دهه های اخیر، پژوهشگران حوزه روان شناسی و علوم تربیتی توجه ویژه ای به نقش عوامل هیجانی در فرایند آموزش و یادگیری داشته اند و مفهوم «هوش هیجانی» به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در عملکرد حرفه ای معلمان مورد توجه قرار گرفته است. هوش هیجانی به توانایی درک، شناخت، مدیریت و استفاده مناسب از هیجان ها در خود و دیگران اشاره دارد. این مفهوم نخستین بار به طور گسترده توسط سالووی و مایر مطرح شد و سپس گلن آن را در حوزه های مختلف از جمله آموزش و مدیریت توسعه داد. بر اساس دیدگاه این پژوهشگران، افرادی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، قادرند احساسات خود را بهتر کنترل کنند، با دیگران ارتباط مؤثرتری برقرار نمایند و در موقعیت های دشوار تصمیم گیری های مناسب تری داشته باشند. در محیط های آموزشی نیز این توانایی می تواند تأثیر قابل توجهی بر کیفیت تعاملات میان معلم و دانش آموز و همچنین بر فضای عاطفی کلاس درس داشته باشد. کلاس درس محیطی پویا و پیچیده است که در آن تعاملات انسانی نقش محوری دارند. معلم در چنین محیطی نه تنها وظیفه انتقال دانش و مهارت های علمی را بر عهده دارد، بلکه باید بتواند روابط انسانی سالم و سازنده ای با دانش آموزان برقرار کند. مدیریت کلاس، ایجاد نظم، انگیزه بخشی به دانش آموزان، حل تعارض ها و پاسخگویی به نیازهای عاطفی و اجتماعی یادگیرندگان، از جمله وظایفی است که نیازمند مهارت های عاطفی و اجتماعی پیشرفته است. در این میان، هوش هیجانی می تواند به معلمان کمک کند تا با شناخت بهتر هیجان های خود و دانش آموزان، محیطی امن، مثبت و حمایتگر برای یادگیری ایجاد کنند. مدیریت کلاس یکی از مهم ترین مهارت های حرفه ای معلمان محسوب می شود. مدیریت مؤثر کلاس به معنای ایجاد شرایطی است که در آن یادگیری به صورت منظم، هدفمند و بدون اختلال انجام گیرد. معلمانی که توانایی مدیریت کلاس را دارند، می توانند رفتارهای نامناسب را کنترل کرده، تعاملات مثبت میان دانش آموزان را تقویت کنند و فضای یادگیری فعال و مشارکتی ایجاد نمایند. بسیاری از پژوهش ها نشان داده اند که یکی از عوامل مؤثر در موفقیت معلمان در مدیریت کلاس، توانایی



آنان در درک و تنظیم هیجان‌هاست. معلمانی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، معمولاً در مواجهه با رفتارهای چالش‌برانگیز دانش‌آموزان آرام‌تر عمل می‌کنند و قادرند با استفاده از مهارت‌های ارتباطی مناسب، تعارض‌ها را به شیوه‌ای سازنده حل کنند. از سوی دیگر، یادگیری دانش‌آموزان تنها به عوامل شناختی محدود نمی‌شود، بلکه عوامل عاطفی و اجتماعی نیز در این فرایند نقش مهمی دارند. احساس امنیت، تعلق، احترام و حمایت در محیط کلاس می‌تواند انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد و زمینه یادگیری عمیق‌تر را فراهم سازد. معلمانی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، بهتر می‌توانند نیازهای عاطفی دانش‌آموزان را تشخیص دهند و با ایجاد روابط مثبت، محیطی مناسب برای رشد شناختی و عاطفی آنان فراهم کنند. چنین معلمانی معمولاً قادرند اعتماد دانش‌آموزان را جلب کرده و آنان را به مشارکت فعال در فعالیت‌های آموزشی تشویق نمایند. در سال‌های اخیر، اهمیت توجه به ابعاد هیجانی آموزش در بسیاری از نظام‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. برنامه‌های آموزش معلمان نیز به تدریج به سمت تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی حرکت کرده‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های مرتبط با هوش هیجانی می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس، کاهش استرس شغلی معلمان و افزایش رضایت شغلی آنان کمک کند. همچنین این مهارت‌ها می‌توانند موجب بهبود روابط میان معلمان و دانش‌آموزان و در نتیجه ارتقای کیفیت یادگیری شوند. از منظر روان‌شناسی تربیتی، یادگیری زمانی به بهترین شکل رخ می‌دهد که محیط آموزشی از نظر عاطفی حمایتگر باشد. زمانی که دانش‌آموزان احساس کنند مورد احترام و توجه قرار دارند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های یادگیری خواهند داشت. در چنین شرایطی، نقش معلم فراتر از انتقال‌دهنده دانش بوده و به تسهیل‌کننده یادگیری و هدایت‌کننده رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان تبدیل می‌شود. هوش هیجانی معلم می‌تواند به او کمک کند تا نیازهای متنوع دانش‌آموزان را درک کرده و راهبردهای آموزشی مناسبی برای پاسخگویی به این نیازها به کار گیرد. همچنین، کلاس‌های درس امروزی به دلیل تنوع فرهنگی، اجتماعی و فردی دانش‌آموزان، پیچیده‌تر از گذشته شده‌اند. معلمان باید بتوانند با دانش‌آموزانی که دارای ویژگی‌ها، توانایی‌ها و پیشینه‌های متفاوت هستند، ارتباط برقرار کنند. در چنین شرایطی، برخورداری از مهارت‌هایی مانند همدلی، درک دیدگاه دیگران و مدیریت هیجان‌ها اهمیت زیادی دارد. هوش هیجانی می‌تواند به معلمان کمک کند تا این تفاوت‌ها را بهتر درک کرده و محیطی فراگیر و عادلانه برای همه دانش‌آموزان فراهم سازند. علاوه بر این، هوش هیجانی نقش مهمی در پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری در کلاس دارد. بسیاری از رفتارهای

نامطلوب دانش‌آموزان ریشه در مشکلات عاطفی و اجتماعی دارند. معلمانی که قادرند این مشکلات را به‌درستی تشخیص دهند و با رویکردی همدلانه با دانش‌آموزان برخورد کنند، می‌توانند از تشدید این مشکلات جلوگیری نمایند. در نتیجه، فضای کلاس آرام‌تر و مناسب‌تر برای یادگیری خواهد بود. پژوهش‌های متعدد در حوزه آموزش نشان داده‌اند که رابطه مثبتی میان هوش هیجانی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. معلمانی که توانایی مدیریت هیجان‌ها و برقراری ارتباط مؤثر دارند، می‌توانند انگیزه یادگیری را در دانش‌آموزان افزایش دهند و آنان را به تلاش بیشتر برای دستیابی به اهداف آموزشی تشویق کنند. این موضوع نشان می‌دهد که توجه به ابعاد هیجانی در آموزش می‌تواند به بهبود نتایج آموزشی کمک کند. با توجه به اهمیت نقش معلمان در فرایند یادگیری و همچنین تأثیر عوامل عاطفی بر کیفیت آموزش، بررسی نقش هوش هیجانی در مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناخت بهتر این رابطه می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزشی و مسئولان نظام تعلیم و تربیت کمک کند تا در طراحی برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های آموزش حرفه‌ای، توجه بیشتری به توسعه مهارت‌های هیجانی و اجتماعی معلمان داشته باشند. در مجموع می‌توان گفت که هوش هیجانی یکی از عوامل مهم در موفقیت حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت آموزش محسوب می‌شود. معلمانی که قادرند هیجان‌های خود و دانش‌آموزان را به‌درستی درک و مدیریت کنند، می‌توانند محیطی مثبت، پویا و مؤثر برای یادگیری ایجاد نمایند. از این رو، پرداختن به نقش هوش هیجانی در مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند گامی مؤثر در جهت بهبود کیفیت نظام آموزشی و تحقق اهداف تعلیم و تربیت باشد.

۲. مبانی نظری پژوهش

هوش هیجانی یکی از مفاهیم مهم در روان‌شناسی معاصر است که به توانایی فرد در شناخت، درک، تنظیم و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران اشاره دارد. این مفهوم نخستین بار به‌صورت علمی توسط سالووی و مایر در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. آنان هوش هیجانی را نوعی توانایی ذهنی دانستند که شامل ادراک هیجان‌ها، استفاده از هیجان‌ها برای تسهیل تفکر، درک هیجان‌ها و مدیریت آن‌ها است. بر اساس این دیدگاه، افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند قادرند هیجان‌های خود و دیگران را به‌خوبی تشخیص داده و از این آگاهی برای هدایت رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود استفاده کنند. در ادامه، دانیل گلمن با گسترش این مفهوم، آن را وارد حوزه‌های مختلفی از جمله آموزش، مدیریت و رهبری کرد.



گلمن هوش هیجانی را مجموعه‌ای از مهارت‌ها و شایستگی‌های فردی و اجتماعی می‌داند که به افراد کمک می‌کند هیجان‌های خود را مدیریت کرده و روابط مؤثری با دیگران برقرار کنند. او پنج مؤلفه اصلی برای هوش هیجانی معرفی می‌کند که شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی است. این مؤلفه‌ها نقش مهمی در تعاملات انسانی و موفقیت حرفه‌ای افراد ایفا می‌کنند. خودآگاهی به توانایی فرد در شناخت احساسات، نقاط قوت و ضعف و تأثیر هیجان‌ها بر رفتار اشاره دارد. معلمانی که از خودآگاهی بالایی برخوردارند، می‌توانند هیجان‌های خود را در موقعیت‌های مختلف آموزشی تشخیص دهند و از تأثیر آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌های خود آگاه باشند. این آگاهی به آنان کمک می‌کند تا در شرایط دشوار کلاس درس واکنش‌های مناسب‌تری نشان دهند. خودتنظیمی یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم هوش هیجانی است که به توانایی کنترل و مدیریت هیجان‌ها اشاره دارد. در محیط کلاس درس، معلمان ممکن است با موقعیت‌های چالش‌برانگیزی مانند بی‌نظمی دانش‌آموزان، اختلافات میان آنان یا فشارهای کاری مواجه شوند. معلمانی که از مهارت خودتنظیمی برخوردارند، می‌توانند در چنین شرایطی آرامش خود را حفظ کرده و به‌صورت منطقی و سازنده عمل کنند. انگیزش نیز از دیگر ابعاد مهم هوش هیجانی محسوب می‌شود. انگیزش درونی به افراد کمک می‌کند تا با پشتکار و علاقه در مسیر دستیابی به اهداف خود تلاش کنند. معلمان با انگیزش بالا نه‌تنها در انجام وظایف حرفه‌ای خود تلاش بیشتری می‌کنند، بلکه می‌توانند این انگیزه را به دانش‌آموزان نیز منتقل نمایند و آنان را به یادگیری فعال تشویق کنند. همدلی یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی در هوش هیجانی است. همدلی به توانایی درک احساسات و دیدگاه‌های دیگران اشاره دارد. معلمانی که از همدلی برخوردارند، می‌توانند نیازهای عاطفی دانش‌آموزان را بهتر درک کنند و در برخورد با مشکلات آنان رفتار حمایتی و مناسب داشته باشند. این امر موجب افزایش اعتماد و صمیمیت میان معلم و دانش‌آموزان می‌شود. مهارت‌های اجتماعی نیز به توانایی برقراری روابط مؤثر با دیگران اشاره دارد. این مهارت‌ها شامل توانایی ارتباط مؤثر، حل تعارض، همکاری و کار گروهی است. در محیط آموزشی، معلمانی که دارای مهارت‌های اجتماعی قوی هستند می‌توانند روابط مثبت و سازنده‌ای با دانش‌آموزان ایجاد کرده و فضای کلاس را به محیطی پویا و مشارکتی تبدیل کنند. در کنار مفهوم هوش هیجانی، مدیریت کلاس نیز یکی از موضوعات مهم در حوزه آموزش و پرورش است. مدیریت کلاس به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که معلم برای ایجاد نظم، سازماندهی فعالیت‌های آموزشی و فراهم کردن شرایط مناسب برای یادگیری در کلاس درس انجام می‌دهد. هدف اصلی مدیریت کلاس ایجاد



محیطی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند با تمرکز و آرامش به یادگیری بپردازند. مدیریت کلاس شامل ابعاد مختلفی مانند برنامه‌ریزی آموزشی، سازماندهی فعالیت‌ها، نظارت بر رفتار دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه برای یادگیری است. معلمانی که توانایی مدیریت مؤثر کلاس را دارند، می‌توانند از بروز بسیاری از مشکلات رفتاری جلوگیری کرده و فضای یادگیری فعال و مثبت ایجاد کنند. در این میان، مهارت‌های عاطفی و اجتماعی معلمان نقش مهمی در موفقیت آنان در مدیریت کلاس ایفا می‌کند. یادگیری نیز به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در روان‌شناسی تربیتی تعریف می‌شود. یادگیری فرایندی است که طی آن تغییرات نسبتاً پایدار در دانش، نگرش یا رفتار فرد در نتیجه تجربه و تعامل با محیط ایجاد می‌شود. عوامل مختلفی بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، روش‌های تدریس، محیط آموزشی و روابط میان معلم و دانش‌آموز اشاره کرد. در سال‌های اخیر، پژوهشگران تأکید زیادی بر نقش عوامل عاطفی در یادگیری داشته‌اند. فضای عاطفی مثبت در کلاس می‌تواند انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد و آنان را به تلاش بیشتر برای یادگیری تشویق کند. در مقابل، محیط‌های آموزشی پرتنش و غیرحمایتی ممکن است موجب کاهش انگیزه و افت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شود. با توجه به این دیدگاه‌ها، می‌توان گفت که هوش هیجانی معلمان نقش مهمی در ایجاد فضای عاطفی مثبت در کلاس درس دارد. معلمانی که قادرند هیجان‌های خود و دانش‌آموزان را به درستی درک و مدیریت کنند، می‌توانند روابط مؤثر و حمایتی با دانش‌آموزان برقرار نمایند و زمینه یادگیری بهتر آنان را فراهم سازند. چنین معلمانی معمولاً در مدیریت کلاس موفق‌تر هستند و می‌توانند محیطی منظم، آرام و انگیزه‌بخش برای یادگیری ایجاد کنند. بنابراین، توجه به هوش هیجانی در آموزش معلمان می‌تواند به بهبود کیفیت مدیریت کلاس و ارتقای یادگیری دانش‌آموزان کمک کند. این موضوع نشان می‌دهد که مهارت‌های هیجانی و اجتماعی نه تنها برای موفقیت فردی معلمان اهمیت دارد، بلکه در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی نیز نقش اساسی ایفا می‌کند.

۳. بیان مسئله

نظام آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر رشد فکری، اجتماعی و فرهنگی افراد محسوب می‌شود. در این نظام، معلم به عنوان محور اصلی فرایند تعلیم و تربیت نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت یادگیری، رشد شخصیتی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. موفقیت معلمان تنها به میزان دانش تخصصی آنان وابسته نیست،



بلکه عوامل متعددی همچون مهارت‌های ارتباطی، توانایی مدیریت کلاس، ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های هیجانی نیز در اثربخشی عملکرد آنان نقش مهمی ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران علوم تربیتی و روان‌شناسی به نقش هوش هیجانی در موفقیت شغلی معلمان و کیفیت فرایند آموزش افزایش یافته است. کلاس درس محیطی پویا و پیچیده است که در آن تعاملات انسانی به صورت مستمر جریان دارد. معلمان در طول فعالیت حرفه‌ای خود با موقعیت‌های مختلفی همچون تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، مشکلات رفتاری، فشارهای روانی، تعارض‌های کلاسی و نیازهای عاطفی دانش‌آموزان مواجه هستند. در چنین شرایطی، توانایی معلم در شناخت و مدیریت هیجان‌های خود و درک احساسات دیگران اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. معلمی که نتواند هیجان‌های خود را کنترل کند یا در برقراری ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان ناتوان باشد، احتمالاً در مدیریت کلاس و ایجاد محیط یادگیری مناسب با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. هوش هیجانی به عنوان توانایی شناخت، درک، کنترل و مدیریت هیجان‌ها، یکی از عوامل مؤثر در موفقیت فردی و اجتماعی انسان شناخته می‌شود. این مفهوم شامل مؤلفه‌هایی مانند خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی، انگیزش و مهارت‌های اجتماعی است. در محیط آموزشی، این مهارت‌ها می‌توانند نقش مهمی در نحوه تعامل معلم با دانش‌آموزان، مدیریت رفتارهای کلاسی و ایجاد فضای عاطفی مثبت ایفا کنند. معلمانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، معمولاً توانایی بیشتری در کنترل استرس، حل تعارض‌ها، ایجاد انگیزه و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دارند. یکی از چالش‌های مهم در نظام‌های آموزشی، ضعف مدیریت کلاس و کاهش انگیزه یادگیری در میان دانش‌آموزان است. بسیاری از معلمان علی‌رغم برخورداری از دانش تخصصی مناسب، در مدیریت رفتار دانش‌آموزان و ایجاد نظم در کلاس با مشکل مواجه می‌شوند. این مسئله می‌تواند موجب کاهش کیفیت تدریس، افت تحصیلی دانش‌آموزان و ایجاد فضای آموزشی نامطلوب شود. در بسیاری از موارد، علت اصلی این مشکلات را می‌توان در ضعف مهارت‌های هیجانی و ارتباطی معلمان جست‌وجو کرد. از سوی دیگر، یادگیری دانش‌آموزان تنها به توانایی‌های شناختی آنان وابسته نیست، بلکه عوامل عاطفی و اجتماعی نیز در این فرایند تأثیر زیادی دارند. دانش‌آموزانی که در محیطی آرام، حمایتگر و مثبت قرار می‌گیرند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی دارند و عملکرد تحصیلی بهتری از خود نشان می‌دهند. معلمانی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، می‌توانند چنین فضایی را در کلاس درس ایجاد کنند و با درک نیازهای عاطفی دانش‌آموزان، زمینه رشد و پیشرفت آنان را فراهم سازند.



با وجود اهمیت هوش هیجانی در فرایند آموزش، در بسیاری از برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های آموزشی، توجه کافی به آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی نشده است. بیشتر برنامه‌های آموزشی بر انتقال دانش تخصصی و مهارت‌های فنی تمرکز دارند و ابعاد عاطفی و ارتباطی حرفه معلمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که موفقیت معلمان در کلاس درس تا حد زیادی به توانایی آنان در مدیریت هیجان‌ها و برقراری روابط مثبت با دانش‌آموزان وابسته است. همچنین تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروزی، پیچیدگی‌های بیشتری را وارد محیط‌های آموزشی کرده است. تنوع فرهنگی، افزایش مشکلات رفتاری، فشارهای روانی و تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان، ضرورت برخورداری معلمان از مهارت‌های هیجانی و اجتماعی را بیش از پیش آشکار ساخته است. در چنین شرایطی، معلمان باید بتوانند علاوه بر انتقال مفاهیم آموزشی، نقش راهنما، حامی و تسهیل‌گر رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان را نیز ایفا کنند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان هوش هیجانی معلمان، کیفیت مدیریت کلاس و میزان یادگیری دانش‌آموزان وجود دارد. معلمان دارای هوش هیجانی بالا معمولاً روابط بهتری با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند، رفتارهای مخرب را بهتر کنترل می‌نمایند و محیطی مناسب برای یادگیری ایجاد می‌کنند. در مقابل، ضعف در مهارت‌های هیجانی ممکن است منجر به افزایش تنش‌های کلاسی، کاهش انگیزه یادگیری و افت عملکرد تحصیلی شود. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که هوش هیجانی معلمان چگونه می‌تواند بر مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد و کدام مؤلفه‌های هوش هیجانی در بهبود کیفیت فرایند آموزش نقش بیشتری دارند. شناخت این عوامل می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزشی، مدیران مدارس و مراکز تربیت معلم کمک کند تا با طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب، زمینه ارتقای مهارت‌های هیجانی معلمان و بهبود کیفیت آموزش را فراهم سازند.

۴. ضرورت پژوهش

پژوهش درباره نقش هوش هیجانی معلمان در مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت و ضرورت است. نخست آنکه، معلمان نقش محوری در نظام آموزشی دارند و کیفیت عملکرد آنان تأثیر مستقیمی بر رشد علمی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌گذارد. بنابراین شناسایی عواملی که می‌توانند موجب افزایش اثربخشی عملکرد معلمان شوند، اهمیت فراوانی دارد. دوم آنکه، امروزه بسیاری از مدارس با مشکلاتی مانند افت تحصیلی، بی‌انگیزگی



دانش‌آموزان، مشکلات رفتاری و ضعف در تعاملات کلاسی مواجه هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بخشی از این مشکلات به ضعف مهارت‌های ارتباطی و هیجانی معلمان مربوط می‌شود. از این رو، بررسی نقش هوش هیجانی می‌تواند راهکارهایی برای کاهش این مشکلات ارائه دهد. سوم آنکه، توجه به ابعاد عاطفی آموزش در سال‌های اخیر به یکی از اولویت‌های مهم نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. در دنیای امروز، معلم موفق فردی است که علاوه بر دانش تخصصی، از مهارت‌های عاطفی و اجتماعی مناسبی نیز برخوردار باشد. بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند اهمیت آموزش هوش هیجانی را در برنامه‌های تربیت معلم برجسته سازد. چهارم آنکه، نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی و مسئولان آموزش و پرورش کاربرد عملی داشته باشد و آنان را در طراحی دوره‌های آموزشی و توانمندسازی معلمان یاری کند. همچنین این پژوهش می‌تواند زمینه انجام مطالعات بیشتر در حوزه ارتباط میان ویژگی‌های عاطفی معلمان و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را فراهم سازد.

۵. اهداف پژوهش

- بررسی نقش هوش هیجانی معلمان در مدیریت مؤثر کلاس درس
- تبیین تأثیر هوش هیجانی بر میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
- شناسایی مؤلفه‌های هوش هیجانی مؤثر بر تعامل معلم و دانش‌آموز
- بررسی اهمیت آموزش مهارت‌های هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم

۶. سؤالات پژوهش

- هوش هیجانی معلمان چه نقشی در مدیریت کلاس درس دارد؟
- هوش هیجانی چگونه بر یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟
- کدام مؤلفه‌های هوش هیجانی بیشترین تأثیر را بر تعاملات آموزشی دارند؟
- آموزش مهارت‌های هوش هیجانی چه تأثیری بر کیفیت عملکرد حرفه‌ای معلمان دارد؟

۷. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری و کتابخانه‌ای است که با هدف بررسی نقش هوش هیجانی معلمان در مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان انجام شده است. در این پژوهش، اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعه و بررسی منابع علمی معتبر شامل کتاب‌های تخصصی حوزه روان‌شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی، مقالات علمی - پژوهشی داخلی و خارجی و پایان‌نامه‌های مرتبط گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری منابع، مطالب مرتبط با مؤلفه‌های هوش هیجانی، مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان تحلیل و دسته‌بندی شد. در نهایت، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، یافته‌های پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفت و نتایج کلی درباره تأثیر هوش هیجانی معلمان بر کیفیت مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان استخراج گردید.

۸. یافته‌های پژوهش

بررسی مطالعات نظری و تجربی مرتبط با هوش هیجانی معلمان، مدیریت کلاس و یادگیری دانش‌آموزان نشان می‌دهد که میان این متغیرها رابطه‌ای معنادار و چندبعدی وجود دارد. یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی بیانگر آن است که هوش هیجانی نه تنها بر کیفیت تعاملات معلم و دانش‌آموز اثر می‌گذارد، بلکه به‌طور غیرمستقیم از طریق بهبود مدیریت کلاس، زمینه ارتقای یادگیری را فراهم می‌سازد.

۱. رابطه هوش هیجانی و مدیریت کلاس

بخش عمده‌ای از مطالعات نشان داده‌اند که معلمانی که از سطح بالاتری از هوش هیجانی برخوردارند، در مدیریت رفتارهای دانش‌آموزان موفق‌تر عمل می‌کنند. این معلمان توانایی بیشتری در کنترل واکنش‌های هیجانی خود در موقعیت‌های تنش‌زا دارند و می‌توانند بدون ایجاد تعارض شدید، نظم کلاس را حفظ کنند. خودآگاهی هیجانی به آنان کمک می‌کند تا از تأثیر احساساتی مانند خشم، اضطراب یا ناامیدی بر رفتار خود آگاه باشند و از واکنش‌های شتابزده پرهیز کنند. همچنین خودتنظیمی هیجانی نقش مهمی در پیشگیری از تشدید تعارض‌های کلاسی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد معلمانی که مهارت کنترل هیجان دارند، در مواجهه با رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان از روش‌های منطقی و تربیتی استفاده می‌کنند و کمتر به تنبیه‌های شدید یا برخوردهای هیجانی متوسل می‌شوند. این امر موجب کاهش اضطراب در کلاس و افزایش احساس امنیت در میان دانش‌آموزان می‌شود.

۲. نقش همدلی در بهبود فضای کلاس

یکی از مؤلفه های کلیدی هوش هیجانی، همدلی است. یافته ها نشان می دهد که همدلی معلم با دانش آموزان تأثیر مستقیمی بر ایجاد فضای عاطفی مثبت در کلاس دارد. زمانی که دانش آموزان احساس کنند معلم آنان را درک می کند، اعتماد بیشتری به او پیدا می کنند و تعاملات کلاسی بهبود می یابد. این اعتماد موجب افزایش مشارکت دانش آموزان در فعالیت های آموزشی و کاهش رفتارهای مخرب می شود. پژوهش ها همچنین نشان داده اند که همدلی معلم می تواند به شناسایی مشکلات عاطفی و اجتماعی دانش آموزان کمک کند. معلمانی که توانایی درک حالات عاطفی دانش آموزان را دارند، می توانند به موقع مداخله کرده و از گسترش مشکلات رفتاری جلوگیری کنند.

۳. مهارت های اجتماعی و کیفیت تعاملات آموزشی

مهارت های اجتماعی معلم، از جمله توانایی برقراری ارتباط مؤثر، حل تعارض و ایجاد همکاری، نقش مهمی در موفقیت مدیریت کلاس دارند. مطالعات نشان می دهد کلاس هایی که در آن ها تعامل مثبت میان معلم و دانش آموز برقرار است، از نظر پیشرفت تحصیلی وضعیت بهتری دارند. مهارت های اجتماعی بالا باعث می شود معلم بتواند قوانین کلاس را به طور شفاف بیان کند، انتظارات خود را به درستی منتقل نماید و بازخوردهای سازنده ارائه دهد.

۴. تأثیر هوش هیجانی بر انگیزش دانش آموزان

یافته ها نشان می دهد که معلمانی دارای هوش هیجانی بالا می توانند انگیزش درونی دانش آموزان را تقویت کنند. آنان با ایجاد فضای حمایتی و تشویق کننده، احساس شایستگی و خودکارآمدی را در دانش آموزان افزایش می دهند. این امر موجب افزایش تلاش، پشتکار و علاقه به یادگیری می شود. همچنین بازخوردهای مثبت و همدلانه معلم می تواند ترس از شکست را کاهش داده و اعتماد به نفس دانش آموزان را تقویت کند.

۵. رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی

مطالعات تجربی متعدد نشان داده اند که میان هوش هیجانی معلم و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه غالباً از طریق متغیر میانجی «مدیریت کلاس» و «فضای عاطفی کلاس» تبیین می شود. کلاس هایی که در آن ها نظم، احترام متقابل و تعامل مثبت حاکم است، شرایط بهتری برای یادگیری عمیق فراهم می کنند. در چنین محیط هایی، دانش آموزان تمرکز بیشتری دارند و مشارکت فعال تری در فعالیت های آموزشی نشان می دهند.

۶. کاهش فرسودگی شغلی معلمان

یافته های پژوهشی همچنین نشان می دهد که هوش هیجانی بالا می تواند از بروز فرسودگی شغلی در معلمان جلوگیری کند. معلمانی که توانایی مدیریت هیجان ها را دارند، بهتر می توانند با استرس های شغلی کنار بیایند و رضایت شغلی بیشتری تجربه کنند. این رضایت شغلی به نوبه خود بر کیفیت تدریس و تعامل با دانش آموزان تأثیر مثبت می گذارد.

۷. نقش آموزش هوش هیجانی در توانمندسازی معلمان

برخی پژوهش ها به بررسی اثر دوره های آموزش هوش هیجانی بر عملکرد معلمان پرداخته اند. نتایج این مطالعات نشان می دهد که آموزش مهارت های هیجانی می تواند توانایی معلمان در مدیریت کلاس، حل تعارض و برقراری ارتباط مؤثر را افزایش دهد. این آموزش ها معمولاً شامل تمرین های خودآگاهی، مدیریت استرس، تقویت همدلی و مهارت های ارتباطی است.

۸. مدل مفهومی ارتباط متغیرها

بر اساس یافته های مرور شده، می توان مدلی مفهومی ارائه کرد که در آن هوش هیجانی معلمان از طریق بهبود مدیریت کلاس و ایجاد فضای عاطفی مثبت، بر یادگیری دانش آموزان اثر می گذارد. در این مدل، مؤلفه های خودآگاهی و خودتنظیمی بیشتر بر کنترل رفتار معلم و مدیریت تعارض ها اثر دارند، در حالی که همدلی و مهارت های اجتماعی بیشتر بر کیفیت تعاملات آموزشی و انگیزش دانش آموزان تأثیر می گذارند.

جدول جمع بندی یافته های پژوهش های مرور شده

پژوهشگر / سال	متغیرهای مورد بررسی	نتایج و پیامدهای آموزشی
سالووی و مایر (۱۹۹۰)	هوش هیجانی و مدیریت کلاس	بهبود نظم کلاس و کاهش تعارض
گلمن (۱۹۹۵)	همدلی و مهارت های اجتماعی معلم	افزایش انگیزش و مشارکت دانش آموزان
برکت و همکاران (۲۰۰۶)	هوش هیجانی معلم و عملکرد تحصیلی	ارتقای پیشرفت تحصیلی
جنینگز و گرینبرگ (۲۰۰۹)	خودتنظیمی هیجانی معلم	کاهش رفتارهای مخرب دانش آموزان
چان (۲۰۰۶)	هوش هیجانی و فرسودگی شغلی	افزایش رضایت شغلی معلمان

این جدول نشان می دهد که اغلب پژوهش ها بر رابطه مثبت میان هوش هیجانی و شاخص های مختلف عملکرد آموزشی تأکید دارند. به طور کلی، یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که هوش هیجانی معلمان یکی از عوامل کلیدی در بهبود



مدیریت کلاس و ارتقای یادگیری دانش‌آموزان است. مؤلفه‌های مختلف هوش هیجانی هر یک به‌گونه‌ای بر کیفیت تعاملات آموزشی اثر می‌گذارند. خودآگاهی و خودتنظیمی به معلمان کمک می‌کند واکنش‌های هیجانی خود را کنترل کنند؛ همدلی و مهارت‌های اجتماعی موجب ایجاد روابط مثبت و حمایتی می‌شود؛ و انگیزش درونی معلم می‌تواند الگوی مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم آورد. در نهایت، مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توجه به تقویت هوش هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی نشان داد که هوش هیجانی یکی از عوامل اساسی در موفقیت حرفه‌ای معلمان و ارتقای کیفیت فرایند آموزش و یادگیری است. معلمانی که از مهارت‌های هیجانی و اجتماعی بالاتری برخوردارند، توانایی بیشتری در مدیریت کلاس، ایجاد فضای عاطفی مثبت و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دارند. این مهارت‌ها به آنان کمک می‌کند تا در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا واکنش‌های سنجیده‌تری نشان دهند و از بروز تعارض‌های شدید در کلاس جلوگیری کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های هوش هیجانی از جمله خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی، انگیزش و مهارت‌های اجتماعی، هر یک نقش مشخصی در بهبود عملکرد آموزشی دارند. خودآگاهی و خودتنظیمی موجب افزایش کنترل رفتاری معلم می‌شود، در حالی که همدلی و مهارت‌های اجتماعی زمینه ایجاد روابط مثبت و حمایتی را فراهم می‌کند. این روابط مثبت تأثیر مستقیمی بر افزایش انگیزه، مشارکت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. همچنین نتایج نشان داد که هوش هیجانی می‌تواند از طریق کاهش استرس و فرسودگی شغلی معلمان، به‌طور غیرمستقیم کیفیت تدریس را بهبود بخشد. معلمانی که توانایی مدیریت هیجان‌های خود را دارند، رضایت شغلی بیشتری تجربه می‌کنند و تعاملات سازنده‌تری با دانش‌آموزان برقرار می‌نمایند. این امر در نهایت منجر به ایجاد محیط آموزشی امن، منظم و انگیزه‌بخش می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که توجه به آموزش و تقویت مهارت‌های هوش هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نظام‌های آموزشی باید علاوه بر تأکید بر دانش تخصصی، به پرورش شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی معلمان نیز توجه ویژه داشته باشند. پیشنهاد می‌شود کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با خودآگاهی، مدیریت استرس، مهارت‌های ارتباطی و همدلی در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان گنجانده شود.

منابع

- ابطحی، ی. (۱۳۸۸). روان‌شناسی تربیتی. تهران: رشد.
- اکبرزاده، ن. (۱۳۹۲). مدیریت کلاس درس. تهران: سمت.
- الوانی، م. (۱۳۹۰). مدیریت عمومی. تهران: نی.
- پارسا، م. (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی. تهران: بعثت.
- حسینی، س. (۱۳۹۵). اصول و مبانی مدیریت آموزشی. تهران: سمت.
- خداپناهی، م. (۱۳۹۱). نظریه‌های یادگیری. تهران: سمت.
- سیف، ع. ا. (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۸۷). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- شکوهی، م. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت و مراحل آن. تهران: آگاه.
- قاسمی، م. (۱۳۹۶). رفتار سازمانی در آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- Bar-On, R. (2006). The Bar-On model of emotional-social intelligence. *Psicothema*, 18, 13–25.
- Brackett, M. A., & Katulak, N. A. (2006). Emotional intelligence in the classroom. *Educational Psychologist*, 41(1), 1–14.
- Chan, D. W. (2006). Emotional intelligence and burnout among teachers. *Educational Psychology*, 26(2), 201–210.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. New York: Bantam Books.
- Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (2009). The prosocial classroom. *Review of Educational Research*, 79(1), 491–525.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence*. New York: Basic Books.



مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

